



بررسی تطبیقی  
نظریه‌های ولایت فقیه

شریف‌الکذاهی



پوشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

www.ketab.ir

بررسی تطبیقی

نظریه‌های ولایت فقیه

شریف لکنزایی

- ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
- معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- تهیه: پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی
- ویراستار: محمداسماعیل نباتیان
- لیتوگرافی و چاپ: انهادی
- چاپ اول: تابستان ۱۳۸۵
- شمارگان: ۱۴۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۸۰۰ تومان

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: قم، میدان شهداء، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن: ۷۸۳۲۸۳۲، درونگار: ۷۸۳۲۸۳۴

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۸۵۸

وب سایت: [www.isca.ac.ir](http://www.isca.ac.ir)

پست الکترونیک: [nashr@isca.ac.ir](mailto:nashr@isca.ac.ir)

لکنزایی، شریف، ۱۳۵۴ -

بررسی تطبیقی نظریه‌های ولایت فقیه / شریف لکنزایی. - قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.

۲۶۴ ص.

ISBN: 964-96884-8-X

۱۸۰۰ ریال.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. [۲۴۵] - ۲۵۸، همچنین بصورت زیرنویس.

نمایه.

۱. ولایت فقیه. ۲. رهبری (اسلام). ۳. اسلام و دولت. الف. پژوهشگاه علوم و

فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۵

۲ پ. ۸/۱/۲۲۳ BP

۱۳۸۵



## فهرست

۹	سخن پژوهشگرده
۱۳	درآمد
۱۹	فصل یکم: کلیات
۱۹	مقدمه
۲۰	نظام سیاسی: موافقان و مخالفان
۲۰	مخالفان نظام سیاسی
۲۲	موافقان نظام سیاسی
۲۶	نظام سیاسی دینی: ضرورت و کارویژه
۲۷	۱. سیره رسول اکرم و امام علی
۲۸	۲. ماهیت قوانین اسلام
۲۸	۳. استمرار و ابدی بودن احکام اسلام
۲۹	۴. لزوم انقلاب سیاسی
۳۰	۵. همبستگی مسلمانان و تحقق عدالت
۳۰	۶. ضرورت حکومت دینی در روایات
۳۲	مباحث کلامی - اعتقادی نظریه‌های ولایت فقیه
۳۳	۱. مرجعیت دینی و معنوی
۳۳	۲. قضاوت و دادرسی
۳۴	۳. ولایت سیاسی و اجتماعی

۳۸	.....	مباحث اصولی - فقهی نظریه‌های ولایت فقیه
۴۴	.....	مشروعیت نظام سیاسی در نظریه‌های ولایت فقیه
۴۷	.....	مشروعیت در نظریه انتصاب
۵۰	.....	مشروعیت در نظریه انتخاب
۵۵	.....	جمع‌بندی
۵۹	.....	فصل دوم: ساختار نظام سیاسی و فرایند قدرت
۵۹	.....	مقدمه
۶۰	.....	ساختار نظام سیاسی
۶۱	.....	ارکان نظام سیاسی در نظریه ولایت فقیه
۶۱	.....	شرایط رهبری
۶۲	.....	الف) شرایط عام
۶۲	.....	ب) شرایط خاص و ویژه ولی فقیه
۶۳	.....	الف) اعلیت و اقمیت
۶۵	.....	ب) مرجعیت و رهبری
۶۶	.....	ج) مقبولیت
۶۷	.....	حوزه وظایف و اختیارات رهبری
۶۷	.....	۱. تفاوت وظایف و اختیارات
۶۸	.....	۲. تناسب حوزه وظایف و اختیارات
۶۸	.....	۳. تعیین و تبیین حوزه وظایف و اختیارات در حکومت دینی
۶۹	.....	۱. قلمرو وظایف ولایت فقیه
۷۱	.....	حوزه وظایف در نظریه انتصاب
۷۱	.....	حوزه وظایف در نظریه انتخاب
۷۲	.....	۲. قلمرو اختیارات ولایت فقیه
۷۳	.....	حوزه اختیارات در نظریه انتصاب
۷۶	.....	حوزه اختیارات در نظریه انتخاب
۸۴	.....	فرایند قدرت در نظریه‌های ولایت فقیه
۸۶	.....	۱. کسب قدرت

۸۶	الف) کسب قدرت در نظریه انتخاب
۸۸	ب) کسب قدرت در نظریه انتصاب
۹۲	۱.۲ اعمال قدرت
۹۷	الف) اعمال قدرت در نظریه انتصاب
۱۰۰	ب) اعمال قدرت در نظریه انتخاب
۱۰۱	۳. توزیع قدرت
۱۰۳	الف) توزیع قدرت در نظریه انتصاب
۱۰۵	ب) توزیع قدرت در نظریه انتخاب
۱۰۷	۴. عزل و کناره گیری از قدرت
۱۰۹	الف) عزل و کناره گیری از قدرت در نظریه انتخاب
۱۱۰	ب) عزل و کناره گیری از قدرت در نظریه انتصاب
۱۱۲	جمع بندی
۱۲۱	فصل سوم: رابطه دولت و شهروندان
۱۲۱	مقدمه
۱۲۲	مرزهای حوزه خصوصی و عمومی
۱۲۴	نظریه انتصاب
۱۳۲	نظریه انتخاب
۱۳۷	مقایسه
۱۳۹	قلمرو مشارکت سیاسی
۱۴۱	مشارکت سیاسی در نظریه انتصاب
۱۴۱	الف) حق انتخاب کردن
۱۴۵	ب) حق انتخاب شدن
۱۴۸	ج) حق مخالفت کردن
۱۵۱	مشارکت سیاسی در نظریه انتخاب
۱۵۱	الف) حق انتخاب کردن
۱۵۵	ب) حق انتخاب شدن
۱۵۷	ج) حق مخالفت کردن

۱۶۰	مقایسه
۱۶۲	پاسخ‌گویی، انتقاد و نظارت
۱۶۳	پاسخ‌گویی، انتقاد و نظارت در نظریه انتصاب
۱۷۱	پاسخ‌گویی، انتقاد و نظارت در نظریه انتخاب
۱۷۸	مقایسه
۱۷۹	جمع‌بندی
۱۸۲	<b>فصل چهارم: نظریه‌های ولایت فقیه و چالش‌ها</b>
۱۸۳	مقدمه
۱۸۴	جامعه مدنی در نظریه‌های ولایت فقیه
۱۸۶	مفهوم جامعه مدنی
۱۹۰	جامعه مدنی در نظریه انتصاب
۱۹۷	جامعه مدنی در نظریه انتخاب
۲۰۳	مقایسه
۲۰۴	مطبوعات در نظریه‌های ولایت فقیه
۲۰۶	مطبوعات در نظریه انتصاب
۲۱۰	مطبوعات در نظریه انتخاب
۲۱۶	مقایسه
۲۱۸	احزاب در نظریه‌های ولایت فقیه
۲۱۹	حزب سیاسی؛ مفهوم و مؤلفه‌ها
۲۲۲	احزاب در نظریه انتصاب
۲۲۶	احزاب در نظریه انتخاب
۲۳۲	مقایسه
۲۳۳	جمع‌بندی
۲۳۹	خاتمه:
۲۳۹	نتیجه‌گیری
۲۴۵	کتاب‌نامه
۲۵۹	نمایه

## سخن پژوهشگرده

پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی نویدبخش حضور فعال دین در عرصه‌های سیاسی-اجتماعی بود. این ایده، در سطح ملی ترسیم‌کننده هویت دینی- ملی حیات سیاسی- اجتماعی ایرانیان، و در سطح فراملی تبیین‌کننده ضرورت بازسازی تمدن اسلامی و اعاده هویت و عزت به مسلمانان در دوران معاصر بود. ترسیم هویت دینی- ملی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی، پرسش‌ها و معضلاتی جدید را در دو سطح مذکور به وجود آورد که تاکنون منابع دینی و دین‌داران در عرصه علوم و مراکز علمی با آن به طور جدی مواجه نشده بودند. پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها و معضلات، بی‌تردید نیازمند بازنگری در مبانی و بینش حاکم بر علوم رایج انسانی و اجتماعی در کنار بازگشتی روش‌مند و تقادانه به سنت فکری است. این بازنگری ضمن فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری از توان‌مندی‌های سنت و دانش سنتی، امکان استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های علوم جدید در دوران معاصر را به ارمغان می‌آورد. بنابراین وظایف مراکز علمی و پژوهشی در جمهوری اسلامی، بسی سنگین است. این مراکز از سویی، رسالت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری را بر عهده دارند و از سوی دیگر، به فرهنگ‌سازی و تولید فکر و

اندیشه به‌عنوان عناصر و لوازم اصلی احیای تمدن اسلامی باید اولویت دهند. پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی نیز با تلاش در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و معضلات فکری مربوط به حوزه پژوهشی خود و فراهم ساختن زمینه‌های لازم برای بازتولید فرهنگ سیاسی-دینی و ارائه دانش سیاسی مبتنی بر منابع اسلامی، هویت‌شناسی و هویت‌سازی در زمینه‌های فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و علوم سیاسی را به‌عنوان مهم‌ترین هدف خود دنبال می‌کند. این پژوهشکده با فراهم کردن زمینه‌های رشد نیروی انسانی در عرصه پژوهش‌های سیاسی با رویکردهای فلسفی، فقهی و علمی، تلاش می‌کند در جهت عزم و اراده ملی برای احیای تمدن اسلامی گام بردارد.

اثر حاضر محصول تلاش فکری پژوهش‌گران فرهیخته آقای علی الهامی (تحقیق و نگارش فصل دوم) و آقای شریف لک‌زایی (تحقیق و نگارش دیگر فصول و پردازش نهایی فصل دوم) است که با هدف تقویت مباحث تطبیقی در عرصه فقه سیاسی نگارش یافته است.

همچنین اجرای این پژوهش و غنای علمی آن مدیون تلاش‌های ارزنده مدیر محترم گروه فقه سیاسی آقای سید نادر علوی، ارزیابان محترم آقایان دکتر منصور میراحمدی، دکتر سید صادق حقیقت، سید محمدرضا موسویان، علی خالقی و مرتضی یوسفی‌راد و متصدیان اجرایی پژوهشکده به‌ویژه مدیر محترم امور پژوهشی آقای رجبعلی اسفندیار می‌باشد که جای دارد از زحمات و تلاش‌های آنان قدردانی به‌عمل آید. هم‌چنین از ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر محمدتقی سبحانی و حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد حسن نجفی قائم مقام محترم پژوهشگاه تشکر می‌کنم که بدون حمایت‌ها و مساعدت‌های بی‌دریغ و مؤثر ایشان پژوهش حاضر به سرانجام نمی‌رسید.



پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، در راستای حیات و بالندگی علم و دانش، آثار خود را در اختیار جامعه علمی قرار داده، پیشاپیش از انتقادهای و پیشنهادهای علمی همه استادان، صاحب نظران و پژوهشگران محترم استقبال می کند. امید است این فعالیت های علمی موجبات رشد و پویایی فرهنگ سیاسی - دینی و زمینه های گسترش اندیشه سیاسی اسلام را فراهم سازد.

نجف لکزایی

مدیر پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی

www.ketab.ir

## درآمد

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های شیعیان در عصر غیبت، پرسش از حق حاکمیت و حکومت است: آیا در عصر غیبت تشکیل حکومت جایز است؟ در صورت جواز، چه کسانی حاکم خواهند بود؟ شرایط و ویژگی‌های آنان چیست؟ مردم در تعیین آنان چه نقشی برعهده دارند؟ و پرسش‌هایی از این قبیل. بحث اصلی در طرح این‌گونه پرسش‌ها، تبیین تئوریک و بررسی چالش‌های نظریه ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر این نظریه است. تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ایران برای اندیشوران مجالی را فراهم ساخت تا با تأمل و تعمق بیشتر به این بحث بپردازند و زوایای نااندیشیده و تاریک آن را روشن کنند. از میان نظریه‌های ارائه شده درباره حکومت در دوره غیبت معصوم، دو نظریه انتخاب و انتصاب، برجستگی خاصی یافته است، به طوری که می‌توان نظریات دیگر را حول این دو نظریه سامان‌دهی کرد، به عبارتی، اگر از منظر مشروعیت به بحث توجه شود، نظریه‌های مختلف ولایت فقیه حول این دو نظریه سامان خواهد یافت و تفاوت‌ها و اختلافات تنها در قبض و بسط اختیارات در هر کدام از این دو نظریه خود را نشان خواهند داد.

قدر مسلم در بحث ولایت فقیه از منظر اندیشوران این است که عالمان شیعی

در فقدان حضور امام معصوم علیه السلام در برخی مسائل، نظیر امور حسبیه، ولایت دارند و از آن‌جا که مسکوت گذاردن این کارها مورد رضایت شارع نیست، فقهای جامع شرایط از باب واجب کفایی و ولایت، به‌عنوان امین شارع، به تدبیر و سرپرستی این امور مبادرت می‌ورزند.

هدف اساسی پژوهش حاضر، تبیین دو نظریه عمده در باب ولایت فقیه یعنی نظریه انتخاب و نظریه انتصاب و مقایسه آن دو با یکدیگر است در این راستا به‌طور برجسته به تفاوت‌ها و اشتراکات آنها و نقش مردم در حکومت براساس این دو نظریه، در یک پژوهش پسینی و درجه دوم اشاره می‌شود.

برای تحقق هدف پژوهش، این پرسش اصلی پاسخ داده می‌شود که: نظام سیاسی مبتنی بر نظریه انتخاب و نظریه انتصاب چه وجوه افتراق و اشتراکی با یکدیگر دارند؟ به عبارت دیگر، نقطه عزیمت این دو نظریه که باعث قرابت و یا دوری آنها از یکدیگر می‌شود چیست؟ پرسش اصلی به پرسش‌های فرعی زیر فروکاسته می‌شود: ۱. مبنای مشروعیت در نظریه‌های انتخابی فقیه و انتصابی چیست؟ ۲. ساختار نظام سیاسی ولایت فقیه و فرایند قدرت، یعنی کسب قدرت، توزیع قدرت و حفظ قدرت، با توجه به این دو نظریه چگونه است؟ ۳. مناسبات نظام ولایت فقیه با شهروندان در این دو نظریه چگونه است؟ ۴. نحوه تعامل با پدیده‌ها و چالش‌های جدید در نظریه‌های انتخابی و انتصابی چگونه است؟

فرضیه‌ای که در پی بررسی و آزمون آن هستیم این است که نظام سیاسی ولایت فقیه براساس نظریه‌های انتخابی و انتصابی، تفاوت‌ها و اشتراکاتی در خاستگاه و مشروعیت، فرایند قدرت و ارکان نظام سیاسی، رابطه فرد و دولت و به‌ویژه در میزان انطباق و عدم انطباق با پدیده‌ها و چالش‌های جدید دارد. این تفاوت‌ها و اشتراکات توانسته در پاره‌ای از موارد این دو نظریه را به یکدیگر نزدیک ساخته و یا از هم دور کند.

شایان ذکر است که در مواردی از این پژوهش به مباحث و مفاهیم مدرن، همانند مشارکت سیاسی، جامعه مدنی، تحزب و ... پرداخته شده است. این تحقیق در صدد است از منظری پسینی نسبت نظریه‌های ولایت فقیه را با این مفاهیم و پدیده‌ها بکاود و جایگاه این بحث‌ها را در نظریه‌های مذکور مورد بررسی قرار دهد. از این رو تحقیق حاضر می‌تواند یک رویکر توصیفی و تحلیلی و در پاره‌ای از موارد، رویکرد انتقادی داشته باشد. بنابراین وارد منازعات مبنایی و روشی در این نسبت‌سنجی‌ها نمی‌شود. همچنین به دلیل نبودن بحث و نیز عدم تنقیح مباحث، به شکلی که در اثر حاضر مطرح شده است، در آثار صاحبان این نظریه‌ها، مدعی نیستیم که در تمام موارد الزامات این دو نظریه را ذکر کرده باشیم، بلکه چه بسا در مواردی آنچه ذکر شده است لازمه یک نظریه نباشد، بلکه دیدگاه و اظهار نظر یکی از طرفداران آن نظریه باشد. اظهار نظری که می‌تواند از الزامات نظریه نباشد.

همچنین در نسبت‌سنجی مفاهیم مدرن با این نظریه‌ها این پرسش شایسته طرح است که مفاهیم مدرن را چگونه می‌توان از درون سنت بیرون کشید و این مفاهیم چه نسبتی با سنت‌های درون جامعه ما می‌یابند؟ پاسخ‌های متنوعی به این پرسش داده شده که می‌توان دو طیف از این پاسخ‌ها را در مقابل یکدیگر تسلیق کرد: پاره‌ای به نفی ارتباط این مفاهیم با سنت حکم می‌کنند و پاره‌ای دیگر به تطبیق این مفاهیم با سنت تأکید می‌نمایند. در این میان، پاره‌ای دیگر با اذعان به نوپدید بودن این مفاهیم و خاستگاه آنان، بر این باورند که می‌توان برای چنین مفاهیم مدرنی، از درون سنت و دین، مبانی فقهی و اصولی تدارک و استخراج کرد و از این طریق به بومی‌سازی این مفاهیم پرداخت. این دیدگاه همان‌گونه که به دنبال طرح دموکراسی اسلامی است، به همان نسبت در پی طرح مبانی فقهی و اصولی برای مفاهیمی چون تحزب، جامعه مدنی و مشارکت سیاسی است.

نگارنده بر این باور است که ضمن این که نمی‌توان از دیدگاه تطبیق این مفاهیم با اندیشه‌های مدرن دفاع کرد، به همان نسبت نیز نمی‌توان به نفی نسبت‌سنجی میان این پدیده‌ها با اندیشه‌های اسلامی و دینی حکم نمود. به هر حال، طرح این مفاهیم در بستری غیر از اندیشه‌های اسلامی و ایرانی شکل گرفته است و اقتضانات خود را می‌طلبد و هنگامی که وارد یک اندیشه و فرهنگ دیگر می‌گردد با اقتضانات و محدودیت‌ها و موانع و فرصت‌هایی مواجه می‌شود که نمی‌توان از آنان غفلت کرد. از این رو می‌بایست بدون ارزش‌داوری‌های بی‌حاصل و بیهوده، به تبیین جدی‌تر رابطه مفاهیم مدرن با اندیشه‌های اسلامی و ایرانی پرداخت و راه خود را در پیشبرد دانش و معرفت در جامعه بشری هموار ساخت.

پژوهش حاضر گرچه در پاره‌ای از مباحث به‌طور مستقیم به این نسبت نمی‌پردازد، اما حتی‌المقدرو برای رفع ابهام‌ها به بحث درباره‌ی این مفاهیم در ضمن مباحثی پرداخته است و دیدگاه‌های سه‌گانه مورد اشاره در نسبت این مفاهیم با مفاهیم سنتی و دینی و به‌ویژه آنچه با بحث حاضر (نظریه‌های انتخابی و انتصابی) ارتباط می‌یابد را از هم باز کرده است.

نکته مهم و شایان ذکر این‌که با توجه به بحث‌ها و تحقیقات فراوان صورت گرفته درباره‌ی دو نظریه انتخاب و انتصاب، در این جا به اثبات نظریه ولایت فقیه در دوره غیبت نمی‌پردازیم و آن را مفروض و واقعیتی عینی در نظر می‌گیریم. گفتنی است در این بررسی سعی می‌شود از داوری‌های ارزشی و پذیرش یک نظریه ورد و انکار نظریه دیگر اجتناب شود و مباحث به گونه‌ای منصفانه سامان یابد و قوت‌ها و کاستی‌های هر نظریه به روشنی و به صراحت مطرح و بر ملا شود؛ به دیگر سخن، سعی می‌شود در یک پژوهش درجه دوم و پسینی و بی‌طرفانه، موارد بایسته تحقیق حاضر مورد بررسی و توصیف و نقد و ارزیابی و تحلیل قرار گیرد. لازم است خاطر نشان کنم که در این پژوهش، بر نظریه‌ها توجه و تأکید

می‌شود و از بحث‌های تطبیقی عینی و آنچه در طول این سال‌ها اتفاق افتاده است، بحث نخواهد شد، زیرا دامنه بحث قدری فراتر از اهداف اصلی این تحقیق است و پژوهش یا پژوهش‌های مبسوط دیگری می‌طلبد، و دیگر این‌که به نظر می‌رسد نظریه انتخاب در مدت زمانی که از تولد آن می‌گذرد جنبه عینی و عملی به خود نگرفته است؛ البته با این فرض که نظام جمهوری اسلامی ایران معطوف به نظریه امام خمینی است و ایشان قائل به نظریه انتصاب هستند، که البته نگارنده بر این فرض در تحقیق حاضر نقدهایی وارد کرده است. بنابراین آنچه در این تحقیق می‌آید گوشه‌ای از مباحث پسینی و درجه دوم مطرح درباره ولایت فقیه است که به نظر می‌رسد به صورت حاضر و به ویژه با نظر به فصل سوم و چهارم، کمتر مورد توجه و عنایت محققان قرار گرفته است.

در این تحقیق از همکاری بی‌شایبه و صمیمانه دانشوران ارجمندی برخوردار بوده‌ام که بی‌شک اگر مساعدت‌های بی‌دریغ آنان نبود این تحقیق بدین‌گونه سامان نمی‌یافت. از همه این عزیزان، سپاس‌گزارم و برای آنان آرزوی بهروزی روزافزون می‌نمایم. و من الله التوفیق. والحمد لله رب العالمین.

شریف لکزایی